

«خط مبدا» سهم ایران از خزر کجاست؟

روسیه به تازگی خواستار نهایی شدن کنوانسیون حقوقی خزر توسط ایران شد، روند مذاکرات خزر چگونه به این کنوانسیون مهم رسید؟ یک منبع آگاه جزئیاتی از روند بررسی این کنوانسیون برای تعیین سهم ایران از خزر را در گفت و گوبا ما بیان کرد



دریاهاست اما خزر، عملیای پهنه‌آبی بسته‌است و الگوی کنوانسیون حقوق دریاها در این باره جاری نیست. بر اساس این الگوی محدوده ۱۲ مایلی از آخرین نقطه خشکی ساحل هر کشور به عنوان دریای سرزمینی محسوب می‌شود و بقیه‌آب پهنه‌آبی مشترک خواهد بود. طی حدود سه دهه مذاکرات انجام‌شده، سه کشور آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان بر تقسیم دریای خزر بر اساس اصول وقواعد کنوانسیون حقوق دریاها تا کید داشتند که در صورت اجرایی شدن آن، ایران بازنده اصلی می‌شد. باتوجه به محدودیت و جبر جغرافیو مقعر بودن سواحل ایران، شمالی‌ترین نقاط ایران در دریای خزر تقریباً در پایین‌ترین بخش دریا قرار دارد در صورت اتصال این دو نقطه یعنی بندر حسین قلی‌خان در شرق و بندر آستارا در غرب، عملاً کمترین سهم به کشورمان می‌رسید. ضمن این‌که این‌شویه پای‌بیگانگان را به این دریاچه باز می‌کند و از نظر امنیتی چندان برای ایران و روسیه جالب نیست. الگوی بعدی، تحدید کامل دریای خزر با تقسیم دریاچه میان کشورهای ساحلی از طریق خط منصف است که با وصل کردن دوسر نقاط ساحلی هر کشور سهم آن کشور از خزر به دست می‌آید که این به هیچ وجه مناسب ایران نیست و به واسطه شکل سواحل ایران سهمی کمتر از ۱۴ درصد را برای کشورمان رقم خواهد زد. یک الگوی دیگر تقسیم خزر بر مبنای اصل انصاف است، در اصل انصاف بر اساس مجموعه شرایط و اوضاع و احوال، مقعر بودن سواحل یا محدب بودن و عوامل دیگر از جمله پیشینه تاریخی و حتی فرهنگی کشور را که برای دریافت سهم از پهنه‌آبی در شرایط مناسبی قرار ندارد، در نظر می‌گیرند و بنا بر این سهم بیشتری از قاعده تقسیم به آن کشور می‌دهند که بر این اساس ایران خواستار سهمی ۲۰ درصدی از خزر است. یک الگوی دیگر نیز باتوجه به این که خزر یک پهنه بسته‌است، بر اساس قواعد عرفی و رویه در حقوق بین الملل، رژیم حقوقی پهنه‌های آبی خاص، دریاچه‌ها یا دریا‌های بسته باید بر اساس اصل اتفاق آرا تعیین شود، تعیین الگویی منحصر به فرد که می‌تواند از طریق توافق کشورهای ساحلی تدوین شود. حال باید دید کشور‌های ساحلی خزر بعد از حدود سه دهه مذاکره به سوی کدام الگو پیش‌رفته‌اند. بر اساس آخرین کنوانسیون حقوقی خزر که در اوکتایو قزاقستان تصویب شد، می‌توان گفت اکنون این کشور‌ها به سمت الگویی ترکیب شده از کنوانسیون حقوق دریا‌ها و تدوین الگوی اختصاصی و مشاع حرکت کرده‌اند.

■ **مطرح شدن اصل انصاف و سهم ۲۰ درصدی** همان‌طور که مشخص بود، مطرح کردن سهم ۵۰ درصدی به واسطه غیر اجرایی بودن آن و همچنین توافقات دوجانبه ای که سه کشور شمالی خزر یعنی روسیه با قزاقستان و روسیه با آذربایجان در باره نحوه استفاده از این پهنه‌آبی داشتند عملاً رفته رفته به کناری نهاده شد و حتی خیلی‌ها معتقدند اتخاذ این رویه از ابتدا اشتباه بوده و نه تنها باعث منزوی شدن ایران در مذاکرات شد بلکه کشورهای دیگر را به توافق‌های دوجانبه معطوف کرد. نهایتاً ما شاهد تأکید و تکیه ایران بر ادبیات سهم ۲۰ درصدی از خزر هستیم به عبارتی پس از آن‌که عملاً روسیه ایران را انتها گذاشت و به قرار دادهای دوجانبه با قزاقستان و آذربایجان روی آورد و بحث تقسیم ۵۰ درصدی نیز عملاً اجرایی نبود، ایران بحث تقسیم به پنج قسمت مساوی را مطرح و پیگیری کرد. ایران سپس با استناد به اصل «انصاف» منطق ۲۰ درصدی خود را از لحاظ حقوقی مستحکم‌تر کرد. از ۷ هزار کیلومتر ساحل خزر فقط ۶۸۰ کیلومتر به عبارتی ۱۰ درصد خط ساحلی آن در اختیار ایران است که این خط ساحلی به واسطه این‌که مقعر است اگر مبنای تقسیم و تحدید حدود بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا‌ها قرار گیرد، عملاً اجحاف گسترده‌ای در خصوص حق ایران اعمال خواهد شد. ضمن این‌که سواحل جنوبی خزر که در اختیار ایران است، برخلاف سواحل شمالی عمقی تاحد

سید حمید حسینی – بحث سهم ایران از خزر طی چند دهه که از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی می‌گذرد، همواره موضوعی چالشی و حساس برای افکار عمومی بوده‌است. هر گونه موضع گیری یک مقام خارجی یا اظهار نظر مقام داخلی با دقت و حساسیت از سوی افکار عمومی ر صد می‌شود. این حجم از حساسیت حتی باعث شده است افکار عمومی در برخی موارد به سرعت تحت تأثیر یک ادعای مطرح شده در فضای مجازی و اکتش‌های تندى از خود بروز دهند. عبارت‌هایی مانند «خزر را واگذار کردند»، «خزر را چند فروختید رفت؟» یا «یک‌تر کم‌نچای دیگر» و...و...و احتمالاً خیلی از ما در محاورات عمومی یا حتی برخی کانال‌ها و صفحات فضای مجازی شنیده‌یا دیده‌ایم. جدای از آن‌ که خیلی از این تیتزها ممکن است باز مینه‌ها و اهداف سیاسی به خصوص از سوی برخی رسانه‌های خارجی مطرح شده باشند اما بدیهی است بخش زیادی از این تلقی‌های افکار عمومی ریشه در حساسیت آن‌ها به این آب و خاک و منافع ملی‌شان دارد.
باین اوصاف سوال اصلی این است بالاخره اگر این تیتزها واقعیت‌ندار دیس سهم ایران از این پهنه‌آبی چقدر است؟ پس از چند دهه مذاکره و در حالی که روزگاری بحث سهم ۵۰ درصدی ایران از خزر مطرح می‌شد و گاه سخن از ۱۱ و ۱۳ درصد و ۲۰ درصد به میان می‌آمد، سرانجام این در صد بندی‌ها به کجا رسید؟ برای پاسخ به این سوالات و رسیدن به رهیافتی شفاف از آخرین وضعیت تعیین رژیم حقوقی خزر و سهم احتمالی ایران از آن، ضمن بررسی اجمالی مسیر پیموده شده و فرضیات مطرح شده قبلی، به بررسی نقاط عطف نشست‌های سران خزر در باره تعیین رژیم حقوقی این پهنه آبی و همچنین آخرین توافق مهم سران خزر در اوکتایو قزاقستان می‌پردازیم که منجر به تصویب کنوانسیون رژیم حقوقی خزر شد و اکنون تمام معادلات و بحث‌ها در باره تعیین سهم هر کشور بر اساس این کنوانسیون در حال پیگیری است.

■ **سهم ۵۰ درصدی؛ رویایی که قابلیت اجرایی ندارد** مبنای این بحث که ایران دارای سهمی ۵۰ درصدی از خزر است بر پایه این استدلال قرار گرفته که دریای خزر بر اساس دو عهدنامه منعقد شده دوستی بین دولت‌های ایران و شوروی در سال ۱۹۲۱ و قرارداد بازرگانی و بحرییمعایی بین ایران و شوروی در سال ۱۹۴۰ تقسیم شده است. همان‌طور که گفتیم عمده استدلال طرفداران سهم ۵۰ درصدی مستند به قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی و استفاده از واژه دریای ایران و شوروی در مکاتبات دولتی دو طرف، در باره این پهنه‌آبی است به عبارتی طرفداران این نظریه معتقدند این دریایمان ایران و شوروی بر اساس این قرارداد‌ها به صورت مساوی تقسیم شده بود و لذا اکنون که شرایط در طرف مقابل تغییر کرده رطبی به ماندار دو آن‌ها باید از همان ۵۰ صد خود به همدیگر سهم بدهند. این دیدگاه اگر چه در ابتدا و با قیاس آن با حقوق مدنی و موضوع وراثت تاحدی منطقی به نظر می‌رسد اما با اشکالات جدی مواجه‌است اولاً در توافق ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ هیچ گونه تقسیم و درصدی تعیین و بیان نشده است، ثانیاً اگر این فرض سهم ۵۰ درصدی را بپذیریم عملاً آذربایجان و ترکمنستان تقریباً دیگر ساحلی نخواهند داشت. دایره‌ای را تصور کنید که بایک خط از نصف‌ نشص شده باشد، با این تقسیم آذربایجان و ترکمنستان در قسمت پایینی دایره قرار می‌گیرند و اگر بخوایم با الگوی ۵۰ درصدی تمام این قسمت را متعلق به ایران بدانیم عملاً این دو کشور دیگر هیچ ساحل و سرزمین آبی نخواهند داشت لذا در عمل نیز این نظریه به قابلیت اجرایی ندارد و ضمن این‌که باعث تحریک بدون مبنای افکار عمومی می‌شود، کشور انبیز وارد دور جدیدی از درگیری و تنش منطقه‌ای و فر منطقه‌ای خواهد کرد کما این‌که از ابتدا و در طول بیش از دو دهه اخیر بحث سهم ۵۰ درصدی نیز با انگیزه تا کتیکتی و سهم گیری بیشتر از دیگر طرف‌ها با هدایت برخی محافل دیپلماتیک و دانشگاهی در داخل مطرح شد. در مصاحبه عباس ملکی یکی از دیپلمات‌های سابقه کشور با خبرگزاری ایسنا در تاریخ ۲۲/۷/۸۶ با موضوع «مشاع و مشترک بهترین روش بهره برداری از خزر» به خوبی این موضوع توضیح داده شده و با بیان این‌که این بحث مطرح شد تا سطح توقع را در اجلاس عشق آباد آن قدر بالا ببریم که بقیه به ۲۰ درصد ارضی شوند، می‌افزاید: «وزارت خارجه هیچ وقت این مسئله را به عنوان موضوع رسمی مطرح نکرد». حتی بعیدی نژاد سفیر ایران در لندن بعد از اجلاس سال ۹۷ در اوکتایو قزاقستان در پاسخ به سوالی در باره بحث ۵۰ درصدی، با غیرواقعی دانستن این بحث تأکید کرد: «باید مواظب پوست خربزه‌ها بود، ضمن این‌که مکانیسم حقوقی طرح این موضوع در نهاد‌های حقوقی بین المللی و رویه آن‌ها در موارد مشابه و همچنین شورای امنیت به عنوان دومین مرجع رسیدگی به این اختلاف از نظر به خطر انداختن صلح و امنیت جهانی چشم‌انداز مثبتی را پیش روی ایران برای طرح درخواست سهم ۵۰ درصدی نشان نمی‌داد.

■ **الگوهای تقسیم و شرایط خاص خزر**

برای تقسیم هر پهنه‌آبی قاعدتاً باید یک الگوی حقوقی و فرمول تقسیم مبنی‌قرار گیرد. عمده‌ترین الگوی تقسیم پهنه‌های آبی مبتنی بر کنوانسیون حقوقی ۱۹۸۲

کمتر از ۵۰ متر دارد اما در مناطق جنوبی یعنی سواحل ایران تا ۱۰۰۰ متر عمق دارد که عملاً استفاده از منابع انرژی بستر آن، برای ایران هزینه‌یادی خواهد داشت. همچنین به واسطه جریان آبی این دریا، عمده فاضلاب ریخته شده از سوی دیگر کشورهای ساحلی به سواحل ایران هدایت می‌شود. با توجه به مجموع این شرایط و اوضاع و احوال، مقعر بودن سواحل یا محدب بودن و عوامل دیگر از جمله پیشینه تاریخی و حتی فرهنگی منطقه، جمعیت سواحل، وضعیت یک کشور و همچنین حقوق بین‌الملل که در این موارد بار نظر گرفتن تمامی شرایط – و نه فقط شکل جغرافیایی سواحل برای تعیین حدود – بر اساس قاعده «انصاف» یا Equality رای به تقسیم می‌دهد بنا بر این سهم بیشتری از قاعده تقسیم به آن کشور اختصاص می‌یابد. در باره ایران نیز چون سواحل ایران مقعر است و طبیعت به ضرر ما بوده این مسائل در اعمال اصل انصاف در تقسیم باید در نظر گرفته شود که بر اساس اعمال این اصل، سهم ایران از خزر حدود ۲۰ درصد خواهد بود. ضمن این‌که در برخی اختلافات تحدید حدود که در حقوق بین‌الملل پیش آمده، دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس قاعده انصاف رای داده است. به‌طور مثال در قضیه دریای شمال، در اختلاف بین مالت، لیبی و لیبی – لیبی – تونس، آمریکا و کانادار باره خلیج ماین هم دیوان بر اساس قاعده انصاف رای داد.

همچنین یک نکته مهم در باره بحث سهم ۲۰ درصدی وجود دارد آن هم منابع نفت و گاز در محدوده سهم ۲۰ درصدی برای ایران است. بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی که در دوره دولت اصلاحات ابلاغ شد هیچ کشوری نباید در منطقه ۲۰ درصدی بستر و زیر بستر مد نظر ایران بهره برداری و حتی امور اکتشافی انجام دهد – کما این‌که بخش عمده‌ای از منابع نفت و گاز منطقه خزر جنوبی در همین محدوده ۱۷ تا ۲۰ درصد قرار دارد – سیاستی که تا امروز نیز به رستی پیگیری شده‌است.

■ **اجلاس آستاراخان یک نقطه عطف**

سه اجلاس سران در سال ۱۳۸۱ در عشق آباد، ۱۳۸۶ در تهران و ۱۳۸۹ در باکو برگزار شد، غیر از اجلاس عشق آباد که به علت عمق اختلافات حتی منجر به صدور بیانیه پایانی نشد، در دو اجلاس بعدی علاوه بر صدور بیانیه مشترک، توافقاتی بین سران به ویژه در باره مسائل محیط زیستی صورت گرفت. چهارمین اجلاس سران خزر که ۷ مهر ۹۳ در آستاراخان روسیه برگزار شد، بنا بر اعلام مقامات مسئول توافق‌های مهمی را به ویژه در حوزه تحدید حدود یا همان تقسیم خزر در پی داشت. بر اساس توافق سران در اجلاس آستاراخان، تکلیف سطح این پهنه‌آبی منحصر به فرد مشخص شد و هر کشور ۱۵ مایل دریایی از ساحل محدوده سرزمینی و ۱۰ مایل دیگر، منطقه اختصاصی ماهیگیری خواهد داشت و بقیه سطح دریای نزدیک به هم از خط مبدا مستقیم استفاده می‌شود تمامی پنج کشور در این منطقه میسر است. این‌که سطح دریا حالت مشاع داشته باشد به لحاظ مسائل امنیتی به ویژه از خواسته‌های ایران و روسیه بوده و همواره بر این موضوع تأکید داشته‌اند چرا که در این حالت و بر اساس قواعد حقوقی اقدامات هر یک از کشور‌ها در منطقه مشترک با یکدیگر خواهد بود که امکان حضور و تردد توافق روید برخی کشورهای فران منطقه‌ای به حوزه خزر را محدود می‌کند. اما همچنان مشکل اساسی در تقسیم و بهره برداری از بستر خزر برای ایران باقی ماند.

■ **در اوکتایو چه گذشت؟**

نهایتاً بعد از ۲۵ سال بحث و جدل و چهار نشست سران و ۵۱ نشست کارشناسی برای تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر، سران پنج کشور ساحلی خزر در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ خورشیدی برابر با ۱۲ اوت ۲۰۱۸ میلادی در شهر اوکتایو قزاقستان به توافق مهمی دست یافتند که به قانون اساسی خزر یا همان کنوانسیون رژیم حقوقی خزر معروف شد. به هر صورت در نشست اکتایو، سران پنج کشور ساحلی، کنوانسیون

رژیم حقوقی خزر امضا کردند. این توافق را می‌توان یک گام مهم در تعیین رژیم حقوقی بزرگ‌ترین دریاچه جهان و ساز و کار استفاده از منابع آن دانست هر چند مهم‌ترین نقطه چالش در این توافق که مورد حساسیت ویژه افکار عمومی ایران نیز هست یعنی تعیین سهم و مرز آبی کشور‌ها همچنان به مذاکرات بعدی بین پنج کشور و همچنین کشور‌هایی که ساحل مجاور دارند، موکول شده‌است که نمی‌توان زمان مشخصی برای به نتیجه رسیدن مذاکرات در این خصوص متصور شد. حتی به گفته رحیم پور معاون سابق وزیر خارجه، مذاکرات در این خصوص شاید ۵۰ سال طول بکشد.

■ **مهم ترین نکات کنوانسیون خزر چه بود؟**

بررسی بند‌های ۲۴ گانه این توافق به نوعی نشان می‌دهد سران پنج کشور ساحلی بر یک کنوانسیون مادر و به عبارتی کلیات توافق کرده‌اند که می‌تواند مبنای بهره مندی در خیلی از موارد را مشخص کند مثلاً در بند‌های ۷ و ۶ ماده سوم کنوانسیون به صراحت به حضور داشتن نیروهای مسلح خارجی در دریای خزر اشاره شده و سپس هر یک از کشور‌ها از در اختیار قرار دادن قلمروی دریای به سایر دولت‌ها برای ارتکاب تجاوز علیه یکی دیگر از کشور‌ها، منع شده‌اند که این از نکات مهم این کنوانسیون است که قاعدتاً باتوجه به توان بالاتر نیروی دریایی روسیه

و ایران در خزر و ملاحظات امنیتی آن‌ها، مثبت تلقی می‌شود. بر اساس ماده ۵، دریای خزر به چهار بخش «آب‌های داخلی، آب‌های سرزمینی، مناطق ماهیگرایی پهنه دریایی مشترک» تقسیم می‌شود که هر کدام از این چهار قسمت احکام خاص خود را خواهد داشت. البته بلافاصله در ماده بعد توضیح می‌دهد که تعیین حدود آب‌های داخلی و سرزمینی بین کشورهای خزر با توافقات بعدی انجام خواهد شد. همچنین در ماده ۸ تکلیف اصلی تعیین اختلاف بین کشور‌های اطراف خزر به توافقات بعدی موکول و تصریح شده است: «تعیین حدود بستر و زیر بستر دریای خزر به بخش‌ها باید از طریق توافق بین کشور‌های با سواحل مجاور و مقابل به عمل آید.» بر اساس ماده ۹ هر طرف در مجاورت آب‌های سرزمینی، یک منطقه ماهیگیری به عرض ۱۰ مایل دریایی را تعیین خواهد کرد که می‌تواند در آن اقدام به ماهیگیری و استفاده از منابع زنده دریای کند. هر مایل دریایی معادل ۱۸۵۲ متر است. البته همان‌طور که گفته شد مهم‌ترین بخش چالش تعیین رژیم حقوقی خزر یعنی تعیین سهم کشور‌ها با وجود مشخص شدن وضعیت دریای سرزمینی (۱۵ مایل)، محدوده ماهیگیری (۱۰ مایل) و پهنه مشترک به تعیین نحوه ترسیم خط مبدا موکول شده‌است. خط مبدا، خطی فرضی در امتداد ساحل‌های آن کشور استفاده می‌شود سرزمینی و سایر نواحی دریا که کشور ساحلی از حقوق حاکمیتی در آن‌ها برخوردار است نسبت به آن اندازه گیری می‌شود. خط مبدا معمولاً پایین‌ترین حد جزر دریا ترسیم می‌شود که به‌آن خط مبدا طبیعی می‌گویند؛ اما در شرایط ویژه مانند مصرس و دندانه دار بودن شدید ساحل یا وجود جزایر نزدیک به هم از خط مبدا مستقیم استفاده می‌شود که بیش‌آمده‌ترین نقاط خشکی در دریا را به هم متصل می‌کند. در خصوص خزر امکان استفاده از خط مبدا طبیعی وجود ندارد بنابراین کشور‌ها باید بر خط مبدا مستقیم توافق کنند. بند سوم از بخش مربوط به تعریف خطوط مبدا، وضعیت در ماده یک کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر به وضوع ساحل جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر اشاره دارد و هدف از نگارش این بند، مدنظر قرار دادن توجه به وضعیت ویژه ایران بوده‌است. در این شرایط ایران خواستار اعمال اصل انصاف (یعنی در نظر گرفتن مجموعه شرایط جغرافیایی، تاریخی و جمعیتی سواحل) در تعیین این خط باتوجه به وضعیت خاص سواحل خود است که در این بند به نوعی لحاظ شده‌است. مطابق ماده ۱۱ هر گونه اقدام نظامی اعزم از زمایش یا حتی شانه‌سازی ادوات نظامی، در محدوده فراتر از آب‌های سرزمینی هر کشور ممنوع است. بر اساس ماده ۱۹ هر پنج کشور برای ادامه مذاکرات چه در باره اجرای کنوانسیون و چه در باره تکمیل یا اصلاح آن، ایزنی‌های منظمی در سطوح عالی خواهند داشت که حداقل یک بار در سال به‌طور چرخشی در یکی از کشورهای ساحلی برگزار می‌شود. اجرای این کنوانسیون زمانی آغاز می‌شود که هر پنج کشور اسناد تصویب آن در پارلمان‌های خود را به قزاقستان بپردازند.

این بند به نوعی لحاظ شده‌است. مطابق ماده ۱۱ هر گونه اقدام نظامی اعزم از زمایش یا حتی شانه‌سازی ادوات نظامی، در محدوده فراتر از آب‌های سرزمینی هر کشور ممنوع است. بر اساس ماده ۱۹ هر پنج کشور برای ادامه مذاکرات چه در باره اجرای کنوانسیون و چه در باره تکمیل یا اصلاح آن، ایزنی‌های منظمی در سطوح عالی خواهند داشت که حداقل یک بار در سال به‌طور چرخشی در یکی از کشورهای ساحلی برگزار می‌شود. اجرای این کنوانسیون زمانی آغاز می‌شود که هر پنج کشور اسناد تصویب آن در پارلمان‌های خود را به قزاقستان بپردازند.



■ **گفت و گویا یک منبع آگاه در باره روند تعیین خط مبدا** در این میان یک منبع آگاه به روند مذاکرات تعیین خط مبدا به خراسان گفت: «طبق کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر، به منظور تعیین خطوط مبدا در دریای خزر، کشور‌های ساحلی باید برای تدوین موافقت‌نامه‌ای که چگونگی ترسیم خطوط مبدا مستقیم را مشخص می‌کند، اقدام کنند. تاکنون سه اجلاس در باره روش تعیین خطوط مبدا میان پنج کشور ساحلی برگزار شده‌است. این موافقت‌نامه با اجماع و توافق کشورهای ساحلی آن تدوین خواهد شد و از کنوانسیون حقوق دریا‌ها پیروی نمی‌کند. البته در مواردی که کلیه کشور‌های ساحلی توافق داشته باشند از قوانین و مقررات بین‌المللی مربوط نیز بهره برداری خواهد شد. وی در باره این‌که آیا ایران از موضع تقسیم بر اساس اصل انصاف که آخرین موضع رسمی ما بود و با استناد به آن، ما خواهان سهمی ۲۰ درصدی بودیم عدول کرده است یا خیر؟ یا این‌که اساساً الگوی نهایی به سستی رفته که تقسمی در سطح به جز تعیین محدوده آب‌های سرزمینی وجود ندارد و بقیه مشاع است؟ افزود: طبق کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر، این دریا به چهار منطقه آب‌های داخلی، آب‌های سرزمینی (به عرض ۱۵ مایل دریایی)، مناطق ماهیگیری (به عرض ۱۰ مایل دریایی) و پهنه دریایی مشترک تقسیم شده است. تهیه و تدوین موافقت‌نامه روش ترسیم خطوط مبدا مستقیم برای تعیین و اجرای این مناطق است که در سوال قبلی به آن اشاره شد. در باره تقسیم بستر و زیر بستر دریا، کشور‌های ساحلی باید با کشور‌های مقابل یا مجاور خود مذاکره کنند. جمهوری اسلامی ایران باتوجه به مشخص نشدن محدوده بستر و زیر بستر دریا با ترکمنستان و جمهوری آذربایجان، اعلام کرده که تا تعیین وضعیت و توافق نهایی، در محدوده ۲۰ درصدی بستر و زیر بستر خود در دریای خزر اجازه فعالیت را نخواهد داد. ایران نیز در مورد ادعای کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر با صدور اعلامیه تفسیری، شرایط خاص و نامساعد جغرافیایی سواحل ایران در خزر و معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را یادآوری و خاطر نشان کرده‌است.

■ **بهره برداری از منابع نفت و گاز با توافق کشورهای مجاور و مقابل**

تعیین محدوده بستر و زیر بستر بین کشورهای دارای سواحل مجاور و مقابل با توافق بین آن دولت‌ها با در نظر گرفتن اصول و موازین حقوق بین‌الملل به منظور قادر ساختن آن دولت‌ها به اعمال حقوق حاکمه خود در بهره برداری از منابع زیر بستر و سایر فعالیت‌های اقتصادی انجام خواهد شد. بر خصوص منابعی که در محدوده مشترک دو کشور واقع شوند نیز باتوجه به موقعیت جغرافیایی آن منبع انرژی، با توافق دو کشور نحوه بهره برداری از آن مشخص خواهد شد. در محدوده کشور‌مان در خزر با ترکمنستان و جمهوری آذربایجان چند حوزه نفتی مشترک وجود دارد که مذاکرات برای نحوه بهره برداری از آن ادامه دارد. در خصوص حوزه‌های نفتی که در باره مالکیت بر آن اختلاف وجود داشته باشد هیچ فعالیتی انجام نخواهد شد. یک هفته قبل روسیه باتوجه به این‌که کنوانسیون حقوقی خزر در همه کشور‌های ساحلی به جز ایران تصویب نهایی شده‌است، خواستار تصویب سریع‌تر این کنوانسیون از سوی ایران شد. این منبع آگاه در پاسخ به این‌که چرا به تازگی روسیه از ایران خواسته‌است تا هر چه سریع‌تر ایران نیز کنوانسیون را تصویب کند و هم اکنون به لحاظ شکلی این کنوانسیون در داخل کشور به کجا رسیده و چه فرایدمر جعی باید در این باره تصمیم بگیرد؟ گفت: کنوانسیون و وضعیت حقوقی دریای خزر به عنوان یک دستاورد مهم کشورهای ساحلی خزر، به بسیاری از ابهامات و اختلاف نظر‌ها در باره رژیم حقوقی دریای خزر پایان بخشیده است. روسیه هم مانند سایر کشور‌های ساحلی منتظر آن است که ایران هم این کنوانسیون را تصویب کند تا همه بتوانند از فواید آن بهره‌مند شوند. این کنوانسیون در مراجع داخلی کشور‌مان در دست بررسی است و پس از اتمام این روند برای تصوب به مجلس شورای اسلامی ارجاع خواهد شد. باتوجه به این‌که اجرای کامل کنوانسیون نیازمند نهایی شدن و امضای موافقت‌نامه مربوط به ترسیم خطوط مبدا مستقیم در دریای خزر است و این سند جزء لاینفک کنوانسیون خواهد بود، ایران بر ارجاع هر دو سند به صورت همزمان به مجلس شورای اسلامی برای تصویب آن تأکید دارد.

■ **بالاخره سهم ایران چقدر است؟**

باتوجه به آن‌چه در باره مسیر مذاکرات پنج کشور ساحلی خزر گفته شد اگر چه برخی مدعی‌اند باین روند احتمالاً ایران سهمی زیر ۱۷ درصد را کسب خواهد کرد و در بستر و زیر بستر نیز باتوجه به توافقات دوجانبه با آذربایجان و ترکمنستان به بهره برداری مشترک از منابع موجود در حوزه‌های مورد اختلاف که در محدوده ۱۷ تا ۲۰ درصد می‌هستند، خواهد بهره برداخت اما مسلم است که هنوز نمی‌توان در صد مشخصی را به عنوان سهم ایران از خزر مطرح کرد و به‌آن دلخوش بود یا در باره آن دل‌نگرانی داشت زیرا آن چه تکلیف نهایی را در این موضوع روشن می‌کند و نبرد نهایی بر برای رژیم حقوقی خزر به حساب می‌آید، منوط به مذاکرات آینده است و جدای از بسیاری از دل‌نگرانی‌های خالصانه مردم کشور، برخی از اظهار نظر‌ها که در این باره هم شتاب زده یا بر اساس منافع و دیدگاه‌های سیاسی بیان می‌شوند تنها کمکی به تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی معقول در داخل کشور در مراحل بعدی تصویب این کنوانسیون یعنی پارلمان نخواهد کرد بلکه می‌تواند با تحریک غیرمنطقی افکار عمومی عملاً نهاد‌های تصمیم‌گیر را به سمت نوعی محافظه‌کاری مخرب سوق دهد. تجربه‌ای که حداقل طی چند سال گذشته شاهد مواردی از آن بوده‌ایم. فراموش نکنیم عرصه سیاست، عرصه تصمیم‌گیری بر اساس واقعیت‌های موجود است نه آمال و آرزوها. آرزوهایی که ممکن است ایران را در آینده در وضعیتی قرار دهد که طی دوده گذشته و بر اساس توافقات دوجانبه، دیگر کشورهای خزر در آن شرایط قرار گرفته بودند.